

تقدیم به همه مادران
دادخواهی که فرزندان
خردمندان بزرگ منشی و
عدالت جویی کوروش بزرگ را
برگزیده و جاودانه شدند.

سیمای خردمندی کوروش بزرگ در فلسفه حق

دکتر محمود مسائلی

سیمای خردمندی کوروش در فلسفه حق

دکتر محمود مسائلی

تقدیم به همه مادران دادخواهی که فرزندانشان خردمندانه بزرگ منشی و عدالت جویی کوروش بزرگ را برگزیده و جاودانه شدند.

پرسش: آیا براسستی کوروش بزرگ، و شیوه زمام داری او، می تواند یکی از منابع الهام برای گفتمان حقوق بشر معاصر باشد؟

طرح موضوع

در میان ایرانیان همواره این باور رواج داشته است که لوح کوروش کبیر و رهایی مردمان به بند کشیده شده در بابل نخستین ترجمان حقوق بشر به معنی رایج آن می باشد. به نظر این نگارنده، نقش کوروش بزرگ به عنوان یکی از منابع اندیشه های حقوق بشری جهان امروز، نمی تواند با این ساده انگاری سازگار باشد زیرا گفتمان امروزی حقوق بشر به عنوان اصول حقوقی نهادین شده برای دفاع از حقوق انسانها مولود شرایط و اندیشه های سالهای بعد از جنگ جهانی دوم است. اما اگر بخواهیم به پیش زمینه های تاریخی اندیشه های که در ظهور گفتمان حقوق بشر مدرن نقش داشتند مراجعه نماییم، می توانیم کردار و رفتار کوروش بزرگ، به ویژه در زمینه آزادی مذاهب را، یکی از منابع الهام اندیشه های حقوق بشری معاصر بدانیم. با این اوصاف تایید این فرضیه نیز به تحقیقات عمیق تر و دقیقی نیاز دارد تا بتواند نقش این مرد بزرگ را به درستی و با عدالت به نمایش بگذارد. برای اینکار ناگزیر هستیم که از یک سو به فتح بابل توسط کوروش بزرگ در سال ۵۳۹ قبل از میلاد مسیح نظری داشته باشیم. سپس آنچه توسط کوروش بزرگ در این شهر اتفاق افتاد را با مراجعه به کتاب اشعیا که ۷۴۰ سال قبل از فتح بابل (حدود ۲۰۰ سال پیش از فتح بابل) نوشته شده توضیح دهیم. بعد از آن به کتاب عزرا که در حدود سال ۴۰۰ پیش از میلاد مسیح (یعنی بعد از فتح بابل) نوشته شده است مراجع نماییم. و در نهایت این ارتباطات زمانی را در متن لوحه کوروش کبیر قرار دهیم تا بتوانیم به درستی در یابیم که چرا کوروش بزرگ می بایستی به عنوان یکی از منابع الهام حقوق بشر از یک سو، و الگوی مدیریت مطلوب از دیگر سو، مورد توجه و مطالعه علاقه مندان قرار گیرد. این بایست بویژه برای ایرانیان علاقه مندی که از بی خردی و جزم اندیشی عصر حاضر به تنگ آمده اند، وظیفه ای انسانی و امر اخلاقی است که باید با قضاوت تاریخ در باره بزرگ منشی ایرانیان باستان هماهنگ باشد. برای این امر منابع اندیشه سیاسی مربوط به این رخدادها با دقت مورد واکاوی قرار گیرد. و این واکاوی نیازمند مراجعه به متون عهد عتیق از یک طرف، و مطالعه تاریخی رخدادها از طرف دیگر منوط و وابسته می باشد.

اهمیت فتح شهر بابل توسط کوروش پادشاه ایران زمین، هنگامی که لوح منسوب به او در ۱۸۷۹ در منطقه میانرودان (بین النهرین)، یعنی عراق امروز، کشف شد، مورد توجه قرار گرفت. محققان بلافاصله دریافتند که متن این لوح به خوبی با روایت کتاب مقدس عزرا مطابقت دارد که بر اساس آن کوروش به یهودیان تبعید شده در بابل اجازه داد به سرزمین خویش، یعنی اورشلیم، بازگشته و به این منظور از آنها حمایت های عمده مالی و پشتیبانی هم به عمل آورد. کوروش همچنین از بازسازی معبد ویران شده در آنجا حمایت به عمل آورد. به همین دلیل، در حالی که پادشاهان سابق بابل مورد توهین قرار می گرفتند، کوروش به عنوان رهبری خردمند مورد احترام بوده است. این درک کوروش از شرایط مردمان به اسارت کشیده شده، و خردمندی او از طریق کتب مقدس عهد عتیق به یادگار مانده است. در حقیقت آن بشارتی که در کتاب اشعیا در باره ظهور یک رهایی بخش برای نجات یهودیان از اسارت، که حدود ۲۰۰ سال پیش از دوران کوروش بزرگ نوشته شده بود، به حقیقت پیوست. این نقش رهایی بخش کوروش بزرگ در کتاب عزرا که در بعد از زمامداری کوروش بزرگ به تحریر در آمده است، مورد تجلیل قرار گرفته است. همزمانی و دیالوگ متقابل بزرگ منش کوروش در دو منبع مورد اعتماد یعنی لوح بجای مانده از کوروش و نیز کتاب عزرا، بخوبی خردمندی این انسان بزرگ را برای مردم امروز نمایان

می سازد. دامنه این تاثیر بزرگواری تا بدانجاست که توماس جفرسون از بنیانگذاران امریکای امروزی، خود را دنباله روی اندیشه های متعالی انسانی کوروش بزرگ می داند. این نوشتار کوتاه این ابعاد الهیاتی و تاریخی را در متن اندیشه های سیاسی دوران پیش مدرن قرار داده و سپس با پیگیری آنها تا عصر نوزانی خرد انسانی (رنسانس)، می کوشد توضیح دهد که اندیشه های آزادی خواهی و حقوق بشر به معنی امروزی آن، نمی تواند بی تاثیر از منش و رفتار آزادی خواهانه کوروش بزرگ باشد.

منابع الهیاتی

همانگونه که پیشتر در این نوشتار، و در دو مقاله پیشین توضیح داده شده است، یکی از مهمترین ابعاد ویژگی های شخصیتی بخشی کوروش بزرگ را می بایستی در کتب عهد عتیق جستجو کرد. از کوروش حدود بیست و سه بار در ادبیات عهد عتیق نام برده شده است. اهمیت این جستجو نیز در این واقعیت قرار دارد که می تواند پژوهشگر را با الهام از این منابع الهیاتی از گرافه گویی های نادرست و غیر حقیقی رهایی ساخته فرضیه ها را بر مبنای منابع تاریخی معتبر و اصیل قرار دهد.

اولین کتاب مورد مراجعه کتاب اشعیا است که شاید مهمترین و عمیق ترین منبع الهیاتی در ادبیات یهودی و مسیحی های است. ویژگی اصلی این کتاب مقدس این است که اولاً توسط یکی از پیامبران یهود نوشته شده است، یعنی اینکه با موضوع وحی الهی در ادبیات دینی ارتباط دارد. دومین ویژگی این است که کتاب حاوی پیشگویی های پیامبرگونه است که طی آن می توان بشارت ظهور کوروش کبیر را از آن دریافت. سومین ویژگی برجسته این کتاب مقدس است که به دلیل مضامین مسیحایی، یعنی شخصیت نجات بخش دینی، و به نظر این نویسنده جایگاه مهمی در فلسفه سیاسی باز کرده است. کتاب شامل ۶۶ فصل می باشد. کتاب اشعیا که در طی یک دوره حدود دو قرن گردآوری شده است، عموماً توسط محققان به سه بخش عمده تقسیم می شود: کتاب اول اشعیا، در برگزیده فصل ۱ تا فصل ۳۹؛ تثنیه-اشعیا شامل فصل های ۴۰ تا ۵۵؛ و بخش سوم یعنی ترتیو-اشعیا شامل فصول ۵۶ تا ۶۶ می باشد.¹

کتاب تثنیه-اشعیا جایی است که می بایست برای توضیح بشارتی مربوط به کورش به آن مراجعه نماییم. اشعیا از کوروش به عنوان "مسح" خداوند² یاد می کند که برای تسهیل طرح الهی برای ماموریت مقدس رهایی بخشی منصوب شده بود. "این ان چیزی است که خداوند به مسح شده اش، به کوروش، گفت که دست راستش را می گیرم تا اقوام مختلف را در برابر او تسخیر کنم و زره های پادشاهان را از تنشان درآورم، می گوید تا درها را به روی او باز کنم تا دروازه ها بسته نشود."³ آیه سوم از همین فصل، کوروش را "شبان یهوه" می نامد. "خزانه های پنهان و ثروت هایی را که در مکان های مخفی ذخیره شده اند به شما خواهم داد تا بدانید که من یهوه خدای اسرائیل هستم که شما را به نام احضار می کنم." با این استعاره ها، کوروش بزرگ به آن ماموریت گماشته می شود تا مکان های ناهموار "را هموار کرده، و امکان بازگشت عبرانیان به سرزمین فلسطینی شان را فراهم می آورد. این ماموریت رهایی بخش در اجرای عدالتی است که خداوند وعده آنرا داده است و کوروش بزرگ مامور اجرای آن است. "من تو را تقویت خواهم کرد، هر چند مرا نشناختی." "ای آسمانها، عدالت من را ببارید. اجازه دهید ابرها آن را باران کنند. بگذار زمین گسترده شود، رستگاری ببارد، عدالت با آن شکوفا شود. من خداوند آن را آفریده ام."⁴ در نهایت کوروش بزرگ مسئولیت بازسازی معبد آنرا نیز به عهده می گیرد. "کوروش را به عدالت خود برمی خیزم و تمامی راههای او را هموار می سازم. خداوند قادر متعال می گوید که شهر مرا بازسازی خواهد کرد و تبعیدیان مرا

¹ نگاه کنید به ادبیات کتاب مقدس در دانشنامه بریتانیکا

² "This is what the LORD says to his anointed, to Cyrus".

³ The Book of Isaiah, chapter 45, verse number 1.

⁴ The same, verse 8.

آزاد خواهد کرد، بدون انتظار پاداش و یا بهایی⁵. با توجه به اهمیت این ماموریت رهایی بخشی که به عهده کوروش گذاشته می شود، وی مورد احترام همه مردم قرار می گیرد و همگی این شخصیت رهایی بخشی کوروش بزرگ که برآمده از ویژگی های شخصیتی اوست تقدیس می کنند. "در برابر تو سجده می کنند و با تو دعا می کنند و می گویند: «خداوند با توست و دیگری نیست. خدای دیگری وجود ندارد»⁶. اینگونه پیشگویی های رهایی بخشی که در وجود کوروش تبلور یافت، توسط خداوند به بندگان به بند کشیده خود بشارت داده شده است. "چه کسی این را مدتها پیش پیشگویی کرده است، چه کسی آن را از گذشته های دور اعلام کرده است؟ آیا من خداوند نبودم؟ و جز من خدایی نیست، خدای عادل و نجات دهنده. هیچکس جز من نیست"⁷. آنچه که در بابل اتفاق افتاد، درسی است برای بشریت تا همگان دریابند که روزی از بند رهایی خواهند یافت. اما این بشارت منوط به تسلیم در برابر بزرگی و خواست خداوندی است که راست میگوید و حق را اعلام می کند. "من از جایی در سرزمین تاریکی پنهانی صحبت نکرده ام. من به نسل یعقوب نگفتم: «بیهوده مرا بجوید.» من، خداوند، راست می گویم. من حق را اعلام می کنم"⁸. هرگاه بندگان خداوند در جستجوی کلام حق باشند، دارای آن شایستگی خواهد شد تا از اسارت رهایی یابند.

این پیشگویی ها پس از فتح بابل توسط کوروش بزرگ، مورد تقدیر منابع الهیاتی دیگری قرار گرفت. اهمیت فتح بابل بویژه در این حقیقت قرار داشت که بابل پایتخت باستانی یک امپراتوری بزرگی بود که مرزهای آن عراق، سوریه، لبنان و اسرائیل امروزی را پوشش می داد. و بابل پایتخت علم و دانش جهان باستان بود. بعد از فتح بابل توسط کوروش، دیگر سرزمین های تابع نیز کوروش را به عنوان فرمانروای قانونی خود به رسمیت شناختند. اما اهمیت این تحولات در این امر قرار دارد که کوروش مردمی را که در اسارت بودند رها ساخته، آزادی مذهب را مورد احترام قرار داد، و خدایان مردم را تکریم نمود. "تصاویر خدایان را که در آنجا ساکن بودند، به مکانهایشان برگرداندم و آنها را در خانه های ابدی قرار دادم. همه ساکنان آنها را جمع کردم و خانه هایشان را به آنها بازگرداندم"⁹. از آنجاییکه یهودیان به عنوان پیروان مذهبی که به خدای واحد اعتقاد داشت، و پیشتر توسط فرمانرایان بابلی به اسارت و تبعید کشیده شده بودند، توسط کوروش از رنج اسارت و تبعید رهایی یافته و به سوی سرزمین اصلی خویش روانه گشتند، یکی دیگر از کتب عهد عتیق این نوع رهبری خردمندانه کوروش را ستایش کرده است. کتاب عزرا به فرمانی از کوروش اشاره دارد که می گوید بسیاری از مردم را جمع کرده و به محل های سکونت اصلی و پیشین بازگرداند. این اقدام کوروش در پیشگویی ارمیا که پیش بینی می کند یهودیان پس از هفتاد سال باز خواهند گشت، متبلور شده است. در واقع، تبعید یهودیان از سال ۵۵۵، یعنی زمانی که نبوکدنصر پادشاه بابل اورشلیم را تصرف کرد، تا سال ۵۳۹ که کوروش بابل را فتح کرد، ادامه داشت. برای توضیح این ستایش کوروش بزرگ، متن ترجمه شده بخشی از کتاب عزرا برای اثبات الهیاتی نقش خردمندانه کوروش توضیح داده می شود.¹⁰

1.1 در سال اول کوروش پادشاه ایران، برای تحقق کلام خداوند، که توسط ارمیا بیان شده بود، خداوند قلب کوروش پادشاه ایران را به حرکت درآورد تا در سراسر قلمرو خود بیانیه ای صادر کند و آن را به صورت مکتوب نماید:

⁵ Verse 13.

⁶ Verse 14.

⁷ Verse 21.

⁸ Verse 19.

⁹ Cyrus Cylinder. See: livius.org

¹⁰ Articles on Ancient History. Livius.org

1.2 این همان چیزی است که کوروش پادشاه ایران می گوید: خداوند، خدای آسمان، تمام حکمرانی زمین را به من بخشیده و مرا مأمور ساخته است تا معبدی برای او بنا کنم.

1.3 هر یک از قوم او در میان شما - خدایش با او باشد، به اورشلیم در یهودا برود و معبد خداوند، خدای اسرائیل، خدایی که در اورشلیم است، را بسازد.

1.4 [و مردم در هر مکانی که ممکن است هنوز زندگی کنند باید نقره و طلا، کالاها و احشام، و هدایایی را آزادانه برای معبد خداوند در اورشلیم برای آنها فراهم کنند.

1.5 سپس سران قوم یهودا و بنیامین و کاهنان و فرزندان یعقوب - همه کسانی که خدا دلشان را با یاد خود آرام ساخته بود - آماده شدند تا بروند و خانه خداوند را در اورشلیم بسازند.

1.6 همه همسایگان آنها با اقلام نقره و طلا، کالاها و احشام، و هدایای ارزشمند، علاوه بر همه هدایای اختیاری، به آنها کمک کردند.

1.7 علاوه بر این، کوروش پادشاه همه متعلقات معبد خداوند را که نبوکدنصر از اورشلیم برده و در معبد خدای خود قرار داده بود، بیرون آورد.

1.8 کوروش، پادشاه ایران، آنها را فرستاد که آنها را نزد ششبزار، شاهزاده یهودا، قرار دهند.

1.9 این موجودی عبارت بود از: سی ظرف طلا، هزار ظرف نقره، بیست و نه تابه نقره، سی کاسه طلا، چهارصد و ده کاسه های نقره ای، و یک هزار قلم دیگر. در مجموع ۵۴۰۰ قطعه طلا و نقره وجود داشت.

همانگونه که پیشتر توضیح داده شد، اشعیا نبی این موضوع را حدود ۲۰۰ سال قبل از پادشاهی کوروش این رخدادها را در اجرای فرمان خداوند پیشگویی کرده بود. در حقیقت، با این پیشگویی بود که کوروش بزرگ انگیزه یافت تا آنچه را در کتاب اشعیا نوید داده شده بود به انجام برساند.

هم اکنون این پرسش به ذهن کنجکاو خطور می کند که چرا باید وقایع تاریخی مربوط به یهودیان را از نقطه نظر بررسی فرمانروایی خردمندانه کوروش مورد توجه قرار داد. پاسخ را باید در اهمیت خود کتاب عدرا در آیین یهود جستجو کرد. این کتاب نه فقط سوابق تاریخی قوم اسرائیل را بیان می کند، از همه مهمتر توضیح وی دهد که چگونه این قوم توانستند همواره اتحاد خود را حفظ نمایند. در مرکز این اتحاد نقش کوروش بزرگ پررنگ می شود. هنگامی که یهودیان به بابل تبعید شدند، یهودا به عنوان یک ملت مستقل دیگر وجود خارجی نداشت. اما یهودیان برای زنده ماندن و بازسازی آنچه ویران شده بود را دنبال کردند. آنها باور داشتند که هنوز قوم خدا هستند و خدا آنها را فراموش نکرده است. کوروش بزرگ این ماموریت را از جانب خداوند به عهده گرفت تا یهودیان را در احیای باورهای خویش و بازگشت به سرزمین اصلی یاری بخشد. به همین دلیل است که کوروش بزرگ در کتاب عدرا مورد ستایش قرار گرفته است. علاوه بر این، اهمیت کوروش را می توان از نقطه نظر تحقق وعده الهی نیز مورد توجه قرار داد. با کمک کوروش بزرگ، یهودیان نه تنها توانستند به سرزمین اصلی خود بازگشته و معبد بزرگ را بازسازی کنند، بلکه توانستند به تحولی معنوی نیز دست یابند. این تحول همانا در باور به وعده الهی قرار دارد. تحقق وعده خداوند توسط کوروش بزرگ زمین های این تحول معنوی و تجدید اعتقاد به خدای رهایی بخش را برای یهودیان به ارمغان آورد.

شایان ذکر است که فرمان کوروش بزرگ برای تحقق این وعده الهی، در کتاب تواریخ که از دیگر کتب عهد عتیق می باشد نیز به همان شکلی و مضمونی که در کتاب عدرا بیان شده است، تکرار گشته است. این بازتابید نقش تاریخی کوروش در

اجرا و تحقق وعده الهی بار دیگر اهمیت الهیاتی فرمانروایی کوروش را برای آیندگان یادآوری می نماید. آیه 22 از فصل 36 کتاب دوم تواریخ نقش کوروش را اینگونه توضیح می دهد:

اکنون در سال اول کوروش پادشاه ایران، برای اینکه کلام خداوند که در زبان ارمیا بیان شده بود تحقق یابد، خداوند روح کوروش پادشاه پارس را برانگیخت و او در سراسر قلمرو پادشاهی خود اعلامیه کرد و به شکل مکتوب بیان داشت که: "کوروش، پادشاه پارس، چنین می گوید: خداوند، خدای آسمان، تمامی ممالک زمین را به من بخشیده است. و او به من دستور داده است که برای او خانه ای در اورشلیم، که در یهودا است، بسازم. هر که در میان شما از تمام قوم او باشد - یَهُوه خدایش با او باشد.¹¹

آیه 23 از همان منبع نیز بیان می دارد که

یَهُوه خدای آسمان همه قلمرو پادشاهی زمین را به من بخشیده است. و او به من دستور داده است که برای او خانه ای در اورشلیم که در یهودا است بسازم. از بین همه قوم او چه کسی در میان شماست؟ خداوند خدایش با او باشد.

این ماموریت الهی در لوح کوروش مورد باز تاکید قرار گرفته است "من تصاویر خدایان را که در آنجا [یعنی در بابل] ساکن بودند به مکانهایشان برگرداندم و آنها را در خانه های ابدی قرار دادم. همه ساکنان آنها را جمع کردم و خانه هایشان را به آنها بازگرداندم".

کوروش سیمای فرمانروای خردمند

در یکی از مقاله پیشین با عنوان "کوروش بزرگ نمای فرزاندگی در عصر جهالت" توضیح داده بودم که گزنفون در کتاب تاریخی ارزشمند خود به عنوان "آموزش کوروش"، این انسان بزرگ را نماد خردمندی، فرزاندگی، و حتی پیامبر تساهل می داند. مطابقت کتاب کوروش بزرگ با تقدیس او در کتب عهد عتیق، را برای ظهور نوعی ادبیات سیاسی باز کرد که تا اوایل عصر مدرن در بخشهایی مهمی از جهان آن عصر در مرکز فلسفه سیاسی و نظریه های فرمانروایی قرار داشتند. در اینجا اشاره کوتاهی به این نوع ادبیات می شود تا بتواند راه را برای بحثی که به دنبال می آید هموار سازد.

"سیمای پادشاهان" و یا ترجمه تحت الفظی "آینه ای برای شاهزادگان"¹² از نوع ادبیات سیاسی است که اصول اساسی رفتار حاکمان و ساختار و هدف قدرت را برای شاهزادگان به ترسیم می کشد. اینها بیشتر ابعاد عمل گرایانه و چگونگی رویه هایی را مورد تاکید قرار داده و در آموزش های خود بیان می کردند که می کوشید فرمانروایان را به عنوان الگوهای اخلاقی برای جوامع آنزمان معرفی نماید. بنابراین موضوع اصلی آنها نحوه مدیریت خوب، به معنای امروزی، کلمه بود. پس از کتاب "آموزش کوروش بزرگ" توسط گزنفون، این ادبیات در اروپای غربی از اوایل قرون وسطی و همچنین در بخشهایی از امپراتوری بیزانس و جهان اسلام، مانند شاهنامه فردوسی از دیگر سو شکوفا شد.

با پذیرش مسیحیت به عنوان دین رسمی امپراتوری روم، اینگونه ادبیات توسعه یافت. برای مثال، فصل پنجم از کتاب شهر خدا¹³، نوشته سنت آگوستین، پادشاهی را به تشکیل یک جامعه اخلاقی و تلاش برای تعریف مسئولیت حاکم در قبال رفاه اخلاقی مردم توضیح می دهد. در این نگرش فروتنی و بزرگواری فضیلت هایی هستند که حاکمان باید خود را به آن آراسته سازند. این ویژگی ها باعث می شود تا صاحبان قدرت دنیوی، بر وسوسه های اخلاقی برآمده از قدرت فائق آیند. درحقیقت،

¹¹ <https://www.mechon-mamre.org/p/pt/pt25b36.htm#22>

¹² Mirrors for Princes

¹³ Saint Augustine, *The City of God*.

این نوشته ها نیاز به رهبری اخلاقی از طریق سجایا و فایل متعالی انسانی در مرکز مفهوم مدیریت سیاسی جامعه قرار می دهند. براساس دانشنامه بریتانیکا¹⁴، این ادبیات اساس اکثر تفکرات قرون وسطایی در مورد سلطنت را تشکیل می دادند. آنها رساله هایی بودند که با ذکر این فضایل، پیوند آشکاری را میان روش اخلاقی و اقتدار سیاسی ایجاد کرده، و توضیح می دادند که چگونه ویژگی های اخلاقی شخصی حاکمان بر شرایط زندگی مردم و رفاه آنها تأثیر می گذارد. بنابراین، مردم می توانند با سنجش میان عدالت و یا ظلم تکلیف خود را دانسته و نحوه تعامل را حاکم را برای خود روشن سازند. هم در جهان مسیحیت و هم جوامع اسلامی قرون وسطی، این ویژگی های حاکم و فرمانروایی، با مفاهیم و باورهای مذهبی آمیخته و رهبری را از آن فردی می دانستند که به این صفات متعالی آراسته باشند.

به نوشته همان دانشنامه بریتانیکا، در قرن دوازدهم این نوع ادبیات تجدید حیاتی را تجربه کردند که با زمانهای پیشین متفاوت بود. معروفترین آثار برآمده از این دوران کتاب "سیاستمدار" جان سالزبری¹⁵، که مفاهیم کلاسیک ساختار جامعه را توضیح داده و حق مقاومت در برابر ظالم را مورد بحث قرار می دهد. این تحولات موضوع تحول قدرت سیاسی حاکم بر اساس منابع الهیاتی را آرام آرام به سوی اندیشه های نوینی کشاند که وظیفه حاکم را فقط بر اساس حفاظت از خیر عمومی تعریف می کرد. اما اینکه این وظیفه تا کجا می بایست بر موازین اخلاق استوار باشد را با ابهامات پیچیده ای مواجه ساخت که به تدریج از درون آن سیاسی قدرت سر بر کشید. مهمترین چهره این نگرش متفاوت ماکیاولی است که مفهوم فضیلت را در کتاب شاهزاده بر بنایی کاملاً واقعگرایانه از قدرت توضیح داد. به نظر ماکیاولی تنها فضیلت ممکن برای یک شاهزاده هنر و توانایی اداره جامعه و برقراری نظم در آن می باشد. برای این منظور انجام هر کاری برای رسیدن به هدف مجاز شمرده می شود. بنابراین برخلاف ویژگی هایی که گزنفون برای فرمانروایی بر اساس الگوی رفتاری و منش کوروش بزرگ در نظر می گیرد، ماکیاولی فضایل پادشاهی را در سیمای افراد موفقی جستجو می کند که حيله گری، دروغگویی، فریبکاری، زورمداری، و سرکوب را ابزارهای قانونی و مشروع حکومت کردن می دانند. لذا مشاهده می شود که با تحولات تدریجی تاریخی مفهوم سیمای با فضیلت پادشاه جای خود را به اندیشه های اخلاقی خاصی می دهد که تنها برقراری نظم و ثبات در جامعه را معیار رفتار اخلاقی و ارزشهای اجتماعی معرفی می نماید.

به هر حال، و صرفنظر از این تحول آخری، کتب آموزشی "سیمای شاهزادگان"، ادبیات قدرتمندی را در سراسر قرون وسطی هم در جهان غرب (اروپای امروز) و هم در جهان اسلام به وجود آورد که پیدایی و گسترش آنها را نمی توان از تلاش برای ترسیم فرزاندی کوروش بزرگ از سوی گزنفون جدا ساخت. پاره ای از این ادبیات در ایران و جهان اسلام را می توان در این آثار جستجو کرد:

- حکومت الهی توسط فرمانروایی اسلامی نوشته محی الدین ابن عربی
- کتب کليلة و دمنه
- کتاب سیاست مدنی فارابی
- کتاب سیاست نامه نظام الملک
- کتاب نصیحت الملوک غزالی
- گلستان سعدی

کوروش و فلسفه حق

¹⁴ <https://www.britannica.com/art/mirror-for-princes>

بهترین ارجاع برای دریافت اعماق ژرف مفهوم حقوق بشر، به معنی معاصر کلمه، از همان فرمان کوروش بزرگ برای رهایی اسیران و احترام به آزادی عقاید و مذاهب، ادراک می شود. هم متون معتبر عهد عتیق که پیشتر توضیح داده شدند، و هم لوحه معروف منسوب او، این واقعیت را آشکار می سازند که کوروش بزرگ یکی از ارکان اصلی تاریخ رهایی بخشی انسانها از درد و رنج سرکوب بوده است. البته بازهم باید یادآوری شود که فرمانروایی کوروش می بایستی به عنوان منبع الهامی برای حقوق بشر امروزی به حساب آید. ولی نمی توان گفت که لوحه بازمانده از کوروش کبیر معادل باگفتن حقوق و نهادین شده امروزی حقوق بشر می باشد. اما مناسب است که بخشهایی از لوح را به اختصار این اینجا توضیح داد تا بهتر بتوان این فرضیه که کوروش بزرگ یکی از منابع الهام برای حقوق بشر بوده است را اثبات کرد. کل نوشته روی لوح را می توان به ۹ بخش تقسیم کرد:

۱. دیکتاتوری پادشاه امپراطوری بابل. فرمانروایی فردی که هرگز صلاحیت حکمرانی نداشت. او اقدامات شریانه ای را در برابر فرمان مردوک انجام داد (جملات یکم تا هشتم).
۲. خشم مردوک خدای همه خدایان از این امر به خشم می آید (جملات نهم تا دهم).
۳. پادشاهی دادگر از سوی مردوک انتخاب می شود (جملات یازدهم تا چهاردهم).
۴. کوروش بابل را فتح می کند. مردوک به او دستور داد که به سوی بابل برود. او را در راه بابل مانند همدم و دوست در کنار او قرار داد. "همه مردم بابل، تمام سرزمین سومر و اکد، شاهزادگان و والیان، همه به او تعظیم کردند و پاهای او را بوسیدند. آنها فرمانروایی او خشنود شده و چهره هایشان درخشید" (جمله های پانزدهم تا نوزدهم).
۵. القاب کوروش. "من کوروش هستم، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه توانا، شاه بابل، شاه سومر و اکد، شاه چهار گوشه جهان" (جملات بیستم تا بیست و دوم).
۶. فرمانروای صلح دوست. "ارتش عظیم من در صلح به بابل وارد شد. من به کسی اجازه ندادم که مردم [سومر] و اکد را بترساند." و من "درد را از وجودشان برطرف کردم و آنها را از خدمت رها ساختم. مردوک، پروردگار بزرگ، از اعمال [خوب] من خوشحال است." (جملات بیست و سوم تا بیست و هفتم).
۷. آزادی وجدان و مذهب. "با دوستی حرکت کردیم." "من تصاویر خدایان را که در آنجا [یعنی در بابل] ساکن بودند به مکانهای اصلی آنها برگرداندم و آنها را در خانه های ابدی قرار دادم. همه ساکنان آنها را جمع کردم و خانه هایشان را به آنها بازگرداندم" (جملات بیست و هشتم تا سی و سوم).
۸. نیایش کوروش. "باشد که به مردوک، سرورم بگویند: «کوروش، پادشاهی که به تو احترام می گذارد، و نیز پسرش کمبوجیه {احترام می گذارد}» (جملات سی و چهارم تا سی و پنجم).
۹. کارهایی که انجام داد شامل بازسازی معابد، بازگرداندن اموالی که از مردم گرفته شده بود، و نیز آنچه که از معابد تصرف شده بود (جملات سی و هفت تا چهل و پنج).¹⁶

این میراث عظیم توسط متفکران برجسته ای مور توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال ژان ژاک روسو، در رساله ای در باب علل نابرابری، به اهمیت این میراث بی نظیر انسانی توجه دارد. اما یکی از بهترین ستایشگران خردمندی کوروش بزرگ که فلسفه حق را برای دنیای امروز بشارت داد توماس جفرسون از تهیه کنندگان اعلامیه استقلال امریکا و سومین رئیس

¹⁶ Cyrus Cylinder. Livius.org

جمهور این کشور است. جفرسون نسخه ای از کتاب "آموزش کوروش" نوشته گزنفون را در نزد خود داشته و خواندن آنرا به اعضای خانواده خود توصیه می نمود. وی متأثر از روش فرمانروایی کوروش بر اساس تساهل، احترام به دیگران، و شیوه مدیریت مطلوب بود و همین ویژگی ها وی را برانگیخت تا پیش نویس اساسنامه ویرجینیا برای آزادی مذهبی را در سال 1777 تهیه کند. این پیشنویس که با همکاری مدیسون انجام گرفت، بعدها به سنگ بنای منشور حقوق در قانون اساسی در امریکا تبدیل شد.¹⁷

مدیر گالری های فریر و ساکسر اسمیتسونیان¹⁸، می گوید: "آنچه در مورد کوروش شگفت انگیز می باشد، این است که او در دورکن فرهنگ های غربی، یعنی سنت یونانی-رومی و کتاب مقدس، به عنوان نمونه ای از دولتمردی شاهزاده ای ظاهر می شود."¹⁹ او افزود که نسخه ای از کتاب "آموزش کوروش" گزنفون که در این گالری به نمایش گذاشته شده است گواهی بر بیان واقعیت است که جفرسون این کتاب را نزد خود داشته و آنرا با دقت مطالعه کرده است. این منش و سیاستهای خردمندانه کوروش بزرگ بر تدوین اعلامیه استقلال امریکا تاثیر گزار بوده است.

هاری ترومن نیز تحت تاثیر منش اخلاقی و اندیشه های انسانی کوروش بزرگ بوده است به گونه ای که در سال ۱۹۵۳ و چند ماه پیش از ترک دفتر ریاست جمهوری در یک مدرسه علمیه یهودی در شهر نیویورک در سخنرانی خود اعلام داشت که "من کوروش هستم."²⁰ البته قصد و از این بیان خودشیفتگی نبود. بلکه می خواست یادآور تعالی می باشد که از کوروش بزرگ فرا گرفته بود. پیشتر و پس از انتخاب شدن به مقام ریاست جمهوری امریکا، وی همه اقداماتی را که از سوی جامعه بین المللی برای تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر صورت گرفته بود را ستایش کرده و صدور این مدارک حقوق بشری را حائز اهمیت بین المللی بالایی می دانست. ترومن اذعان داشت که منشور حقوق بشر به عنوان سندی باید برای همه ملت ها قابل احترام باشد. به نظر او، این سندی است که با تاثیر از منشور حقوق بشر کوروش بزرگ شکل گرفته و بخشی انفکاک ناپذیر از زندگی بین المللی و قانون اساسی امریکا می باشد.

در پرتو این رخدادهای تاریخی، و تاثیر شگرفی که اندیشه ها و منش کوروش بزرگ برای گفتمان رهایی بخش حقوق بشر داشته است، می توان به معضلات فاقد وجاهت خردمندی و پیچیده ای را که در روابط میان حکومت اسلامی ایران و امریکا شکل گرفته است مورد نقدی اساسی قرار داد. در شرایطی که حکومت اسلامی ایران با امریکا در حال منازعه بی پایان شده است، شاید به درستی برای آنان روشن نباشد که روح قانون اساسی امریکا عمیقاً تحت تاثیر اندیشه های نیک و فرمانروایی خردمندانه کوروش بزرگ بوده است. این در حالی است که تاثیرات مستقیم اندیشه های کوروش از درون تاریخ با کسانی مانند جفرسون و یا ترومن می تواند دیپلماسی فعال و سازنده ای را میان دو کشور در جهت رفاه و آرامش مردم و برقراری صلح پایدار برقرار سازد. این دیپلماسی می تواند با یک زبان مشترک آغاز شود: *بیابید برای احترام به انسانها و آزادی آنان به انتخاب دین و مذهب خویش احترام بگذاریم.* به درستی کوروش منشور الهام گفتمان جهانی حقوق بشر و قانون اساسی ایالات متحده امریکا است.

¹⁷ Richard N. Frye and Afshin Zand (2013-16). Jefferson and Cyrus How the Founding Fathers of America, in Their Own Words, Were Inspired by Cyrus the Great How the US Constitution's Establishment Clause was Inspired by Darius the Great. http://richardfrye.org/files/Jefferson_and_Cyrus11.pdf

¹⁸ Smithsonian's Sackler Gallery

¹⁹ <http://cyruscylinder2013.com/2013/03/bbc-cyrus-cylinder-how-a-persian-monarch-inspired-jefferson/>

²⁰ Morsink, J. (1999). The Universal Declaration of Human Rights: Origins, Drafting, and Content. University of Pennsylvania Press.